

شهرستان اسطفه	دسته بهائی	نام
ساعت شروع: ۸:۳۰ صبح	انبار گل آموزش و پرورش استان ایلام	نام خانوادگی
تاریخ انعقاد: ۱۶-۰۳-۱۳۹۹	دوره: نخست و دانش کشت آموزش استان ایلام	شماره کلاس
مکان: پلستیک	ازبهره: هفتاد استانی پانزدهم دولت غربی ده ۱۴۰۲ استان ایلام	نام مدرسه
مهر آموزشگاه	تعداد صفحات: ۱	روز لغو: به سبب خلوتات ارتداد و طرح جامع
موضوع	عنوان	مهرام

دوستان واقعی راه نیک بختی را به ما نشان می دهند. آنها مثل آیینه، همان قدر که خوبی ها را پیش چشم می آورند، عیب ها را هم به ما می نمایند و مهم تر اینکه این همه را بی صدا و بی هیاهو، باز می گویند.

سعدی در گلستان آورده است: هر که با بدان نشیند، اگر نیز ضیعت ایشان در او اثر نکند، به طریقت ایشان منتهم گردد.

تا نخواهند کسی را نصیحت مگوئی و پند مده خاصه کسی را که بد نشود که او خود اوقات از جای تهمت زده پرهیز و از یار بد اندیش و بد آموز بگریز.

مرد بسیار با کلماتی قطع از دوست دانستنش تمسک کرد که یکی از مسائل علمی را که زمانی با وی در میان گذاشته بود باز گوید طبق گفت: «کنون چه جای این پرسش است؟» بسیار با تعرض پاسخ داد: «ای مرد کدام بک از این دو امر بهتر است: این که مسئله بدانم و بسرم یا نادانسته و جاهل در گذرم؟»

و اگر آدمی را هرگز دردی نمی رسید به چه چیز ترک می کرد گناهان را و به چه چیز تواضع می کرد برای خدا و نفس می کرد نزد او؟ نمی بینی کسی را که به دردی دچار شد، خضوع می کند و به درگاه خدا روی می آورد و طلب عافیت می کند و دست می گشاید به دادن صدقه؟

ای ابوذر خداوند تعالی به نیامای ظاهر و زاری های گفته هایتان نمی نگرند، بلکه به دل ها و کم دارانان می نگرند.

چون ربیع بزرگ شد پدر و مادرش ببردند و در بهره قحطی عظیم پسا شد و خواهران متفرق شدند و ربیع به دست ظالمی افتاد او را به چند درم بفروخت، آن حواص او را به رنج و مشقت کار می فرمود.

لابد حدس می زنید وقتی که در هنگام طلوع خورشید صدای مازک و عجیبی مرا از خواب بیدار کرد تا چه حد دچار حیرت و شگفتی شدم اچشمم به آدمک بسیار عجیبی افتاد که با وقار تمام مرا می نگرست